

از فقر تا ثروت / پدری که هرگز ازدواج نکرد...

شانزده ساله بود که پدرش به رحمت خدا رفت... بیمه و درآمدی وجود نداشت... فقر در تارپود زندگی ریخته کرده و به جز خداوند دستگیری نبود... باید کاری می کرد... دست به زانو گذاشت و جای پدر را گرفت... خانواده ی پر جمعیتی بودند و باید خرج تحصیل و زندگی خواهر و برادرانش را تأمین می کرد... کار کرد... زحمت کشید و با توکل به آفریدگار، رنگ و رویی به زندگی خانواده بخشید... آرام آرام باب رحمت به روی خانواده باز شد... از کارهای کوچک به کارهای پیمانی بزرگ رسید و در حالی که از فقر به ثروت رسیده بود هیچگاه گذشته را فراموش نکرد و خود دستگیر کسانی شد که نیازمند مهربانی او بودند... دوران عمرش به پنجاه نزدیک شده بود اما او مجرد ماند و همچون پدری فداکار خود را وقف خانواده کرد تا راه زندگی سبز و بهاری بماند اما خزان عمر در تابستان 97 اصلاً را مسافر بهشت کرد..

شادروان اصلاً مکنونی ( روستای #دیمه\_درب ) راهی را آغاز کرد که اکنون خانواده اش در آن طی طریق کرده و دستگیر نیازمندان هستند... مهندس اسماعیل مکنونی یکی از اعضاء خانواده که در هنگام فوت پدر یکسال بیشتر نداشت و امروز از مسئولان ارشد سلویه است و صدها کارگر با برنامه ریزی او مشغول هستند، همواره قدر دان برادر است و در اندیشه آرامش روح آن تازه سفر کرده...

در روزهای واپسین اسفندماه 97، شصت خانواده نیازمند هفتکلی عیدی خود را از مهندس مکنونی دریافت کردند تا لبخند ایتام و نیازمندان این دیار گل های باغ بهشت پدری را شکوفا نماید که صدها فرزند داشت، اما هرگز ازدواج نکرد... روحش شاد و یادش سبز

#شهاب\_داودی

#انجمن\_خیریه\_دوستان\_هفتکل

#هفتکلی\_ها